

۲۰۱۴

به نام خدا

بازگشت از شوروی

به ضمیمه تقبیح بازگشت از شوروی

نویسنده: آندره ژید

مترجم: جلال آل احمد

آهید

انتشارات آهید

سرشناسه	: ژید، آندره پل گیوم، ۱۸۶۹ - ۱۹۵۱ م.
عنوان و نام پدیدآور	: <i>Gide, Andre Paul Guillaume</i> بازگشت از شوروی به ضمیمه تقبیح بازگشت از شوروی / نویسنده آندره ژید؛ مترجم جلال آل احمد.
مشخصات نشر	: خرم آباد: آهید، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۹ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-95234-9-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
داشت	: <i>Retour de l'U.R.S.S., 1936</i> عنوان اصلی:
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.
موضوع	: سفرنامه‌ها / <i>Traveler's writings</i>
موضوع	: کمونیسم - روسیه شوروی / <i>Communism - Soviet Union</i>
موضوع	: روسیه شوروی - سیر و سیاحت / <i>Soviet Union - Description and travel</i>
شناسه آف‌آی‌سی	: آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ م. مترجم
شنا افزوده	: <i>Al Ahmad, Jalal</i>
رده‌بندی ده‌گانه	: ۱۳۹۷ ۹ب۹ DK۲۷۷
رده‌بندی دیر	: ۹۱۷/۷
شماره کتاب‌شناسی	: ۵۵۰۰۰۳۷

آهید

بازگشت از شوروی به ضمیمه تقبیح بازگشت از شوروی

نویسنده: جلال آل احمد

مترجم: اشارات آهید

شماره: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۲۳۴-۹-۰

مرکز پخش: ۰۲۱۶۶۴۸۶۱۴۸

فهرست مطالب

۵.....	درباره‌ی «زید» و ترجمه‌ی حاضر.....
۱۵.....	بازگشت از شوروی.....
۱۷.....	پس‌درآمد.....
۸۷.....	ضمایم.....
۱۰۳.....	آستروفسکی.....
۱۰۵.....	یک کلخوز.....
۱۰۸.....	بولشوو.....
۱۰۹.....	بسپریزورنی‌ها.....
۱۱۳.....	تنقیح بازگشت از شوروی.....
۱۷۵.....	ضمایم.....
۱۸۷.....	از یک سفرنامه.....
۲۰۳.....	نامه‌ها و شواهد.....

درباره‌ی «ژید» و ترجمه‌ی حاضر

راقم این سطور با اینکه به زبان ایتالیایی آشنا نیست؛ اما با یکی از مثل‌های آن زبان آشناست که می‌گوید: «*Traduttore traditore*» یعنی «مترجم، خائن است». این مثل، به‌خصوص در مورد کسی صادق است که قصد ترجمه‌ی اثری از آثر ژید را داشته باشد. حتی اگر آن ترجمه-مثل کتاب حاضر- یک سفرنامه‌ی عالی از آثار آن ترجمه‌ی دوم او محسوب بشود؛ چون گرچه جنبه‌ی سیاسی کتاب حاضر، به جنبه‌های دیگرش می‌چربد؛ اما باز ژید، نویسنده‌ی آن است و تمام مشخصات آن را از ایجاز و دقت بیان گرفته، تا سنگینی و روانی کلمات- از صمیمیت به حد کامل رسیده‌ی او در تعبیر عواطف بشردوستانه، تا پرهیزی که از هرگونه قضاوت طعی دارد- تمام این مشخصات را حتی در این سفرنامه هم می‌توان دید.

با این همه «آندره ژید» را با کتاب حاضر می‌توان قضاوت کرد. در این کتاب، فقط با یکی از وجوه مختلف روح او می‌توان آشنا شد؛ یعنی فقط با فراری که از تعصب- از هرگونه تعصب- و از خامی و «ارتوکسی» دارد، چه به‌معنای عام این اصطلاح و چه به‌معنای مذهبی آن؛ چون به هر صورت آندره ژید در یک خانواده‌ی عام «پروتستان» به دنیا آمده بوده است. «کتاب»- یعنی دو کتاب مجتمع در یک جلد- حاضر برگه‌ای است حاوی تخیلات و سرخوردگی‌های سیاسی او، ولی حتی برای شناختن کامل وضعی که آندره ژید، در قبال سیاست و در قبال سلطه‌ی حکومتی بر مردمی به خود می‌گیرد؛ باید سفر به کنگو و بازگشت از چاد او را هم خواند. دو کتاب اخیر، سفرنامه‌های اوست به مستعمره‌ی فرانسوی «کنگو» و حاوی صحنه‌سازی‌ها و خون‌ریزی‌ها و

حق کشی های کمپانی های بزرگ فرانسوی در آن ناحیه از افریقا؛ و اگر آندره ژید در این سفرنامه ی حاضر، به کفر و ارتداد خویش نسبت به کمونیسم مسکوی اعتراف می کند؛ در آن دو سفرنامه ی دیگر، نشان داده است که به عنوان یک کمونیست- منهای مسکو- چگونه مدافع بشردوستی و مساوات است.

تا قبل از سال های جنگ بین الملل دوم و به خصوص، تا قبل از اعلام ارتداد «نروتسکی» و محاکمه ی «بوخارین» در شوروی، رو شنفکران تمام اروپا، همه پشیم، مسوی و شرق- به سوی مسکو- داشتند و همیشه، خاطره ی انقلاب اکبر را در اجالت دل خویش روشن نگه می داشتند. در آن سال ها برای آنان که فقط از دور، نگران اوضاع بودند و تنها برج و باروی زیبای خیال خویش را در آن حدود می پرستیدند، انقلاب اکبر به بعد در رو سیه ی شوروی گذشته بود، محتوی آرزوهای آبریزان بود که گاه از زبان «سن سیمون» تعریف شده بود و گاه «روبرت آون» مدعیان شاهنشاهی را که حکومتی بس مستعجل داشت، بر آن الگو در انگلستان ریخته بود. روشنفکران اروپا، همه شگفت زده از اینکه چرا انقلاب کارگری، در انبوه خالی از سکنه از «ولتاریای «روهر» و «آلزاس» و «ویلز» خانه نکرده، شاهد دورادور «اوتوپی» قرن بیستم در رو سیه ی انقلاب زده بودند و هرگز گمان نمی بردند که در چنان سرزمین خبندانی، آن چنان سراب فریبنده ای، بتواند چنین سال های درازی هوش و دل آن را برباید.

آندره ژید نیز یکی از این هوش و دل باخته ها بوده است. در پی همین دل باختگی، تن به چنان سفری داده. سفر او به شوروی، بنا به دعوت اتحادیه ی نویسندگان شوروی، در تابستان ۱۹۳۶ اتفاق افتاده است؛ و این در زمانی بوده که ژید در منتهای شهرت خویش به سر می برده و یک رساله ی تبلیغاتی به قلم او و به نفع کشور شوروی، ارزش بیرون از حسابی می توانسته است داشته باشد؛

اما چنان که می‌بینید، به جای چنان رساله‌ای، این دو کتاب از آب درآمده. این دو کتاب، بیشتر از این نظر ارزش دارد که حاوی اعترافات صریح اوست به فریبی که خورده بوده؛ به اشتباهی که کرده بود. در بازگشت از شوروی، قلم ژید از حزن عمیق و بیرون از اندازه، مایه گرفته است و حکایت از تأسفی می‌کند، که بننده‌ی یک رؤیای شسیرین، در لحظات بیداری خویش دچارش می‌شود. تنقادهای ملایم و دوستانه، لحن کلام ترجم‌انگیز و استغاثه‌کننده است. یک کلمه‌ی زننده در کوچک‌ترین خشونت‌ی در سراسر کتاب نیست؛ اما در تنقیح بازگشت از شوروی، لحن کلام عصبانی است و حکایت از روحیه‌ی مردی می‌کند که در قبال سرکار اتمانات، تاب‌وتوان خود را فراموش کرده و درصدد دفاع برآمده است. شاید بتوان نام بازگشت از شوروی، بآنکه یک رساله‌ی سیاسی است، ارزش‌های زوال‌ی نیز قائل شد؛ اما تنقیح... یک «کتاب سفید» است. لحن کتاب‌های سنده... مجموعه‌ی اسنادی است که ژید در آن زمان توانسته است در رد تبلیغات طرفداران مسکو و در اثبات مدعیات انتقادآمیز خود از آن وضع جمع بیاورد. ارزش این کتاب دوم، به‌خصوص در آن سال‌ها که هنوز کیه‌ی آن حمام گرم، به نیت کسی خورده بود و کمتر کسی جرأت می‌کرد زبان به انتقاد آن بگشاید، بسیار زیاد است. نمی‌دانم کجا خوانده‌ام که «استفن اسپندر» شاعر انگلیسی، اولین بار با خواندن کتاب ژید بوده است که تخم شک و تردید را نسبت به شوروی در دل خود کاشته. شدت تأثیر همین دو کتاب کوچک را در بی‌ثمر ساختن تبلیغات طرفداران شوروی از شدت تکفیری باید دریافت که شوروی و مطبوعات احزاب وابسته به آن در مورد ژید و آثارش صادر کرده‌اند. برای تمام احزاب کمونیست، ژید مرتد بالفطره است و خواندن آثارش ممنوع. و به همین دلیل تمام کسانی که سری

به سیاست گرم دارند، چه با مسئله‌ی شوروی سر و کاری داشته باشند و چه نداشته باشند، بهتر است که این دو کتاب ژید را بخوانند. بحث در این نیست که ببینیم به عقیده‌ی ژید در شوروی چه خبر است؛ چون این روزها بچه‌مکتبی‌ها بهتر از هر کس می‌دانند که در شوروی چه می‌گذرد! بحث در این است که سیاست در قرن بیستم، چگونه و از چه راه‌هایی می‌تواند حتی یک نو سنده‌ی بشردوست را از راه خویش منحرف کند و اگر قادر نیست او را غلام ز خرید خویش بسازد، دست‌کم این را می‌تواند که مجال فکر و اندیشه را از او بگیرد. او را به کارهایی و ابدارد که اگر پیش نمی‌آمد، چه‌بسا کارهای بهتری برای آن نو سنده در پیش بود! و شاید بزرگ‌ترین موجب ترجمه‌ی این دو کتاب نیز همین بوده است.

درست است که این دو کتاب، در سال‌های ۷-۱۹۳۶ منتشر شده است و حاکی از حقایقی است که در آن سال‌ها به چشم می‌آمده؛ ولی با مطالعه‌ی آثار دیگری از همین نوع- به قلم کسین دیگری مثل «کاسترو دلگادو»^۱ اسپانیایی یا «مانس اسپربر»^۲ آلمانی یا دیگران- درمی‌یابیم که امروز، دردهای بسی عمیق‌تر و ظاهرسازی‌ها، بسی فریبنده‌تر از آن سال‌ها شده است. اعتراض یک‌تنه‌ای که ژید در آن زمان نسبت به محاکمات بوخارین و امثالش به میان آورد، این روزها در محاکمات «مین تسن تی» کشیش مجار و «اسلانسکی» نخست‌وزیر سابق چک، به‌صورت دسته‌جمعی و دنیایی درآمده است. در این وطن ما چه سرهای پرشوری که در راه همین فریب نیفتاده است و چه خون‌های بی‌گناهی که نریخته و چه جوان‌هایی که ذوق و شور و قدرت جوانی خود را در این راه به

^۱ Castro delgado

^۲ Manes sprber

هدر نداده‌اند؛ و به این طریق، چه سرمایه‌ی بزرگ انسانی که از دست ما نرفته است! تأسف بر این سرمایه‌ی ازدست‌رفته و اندوه عمیق بر این فریب دیرپا، یکی دیگر از موجبات ترجمه‌ی این کتاب است. اگر دنیا دنیایی بود که فریفتگی را با مهربانی و غمخواری یک مادر می‌زدود، حرفی نبود؛ اما این دنیای ما فریب را با زور معا به می‌کنند و چه معالجه‌ی بدفرجامی! بر هر دو طرف سکه‌ی قلبی که نشده‌ی رمانه‌ی ما است - اگر این سکه دو طرف داشته باشد - چیزی جز زور و فریب حک نشده است. و الاسف بر انسانیتی که سرنوشت خویش را این‌چنین به دست زور و فریب سپرده‌اند!

✱

آندره ژید را باید با «ماده‌ی ری‌ینی» اش شناخت، یا با «دخمه‌های واتیکان»، یا «سکه‌ی قلب زردگل» از مجموعه‌ی آثار او که در حدود پنجاه کتاب و رساله است، شاید این سه، مهم‌ترین آثارش باشد. مانده‌های زمینی او شعر منشور است و از اوایل قرن بیست به این طرف، کتاب دستی هر فرانسوی دوستدار ادب گشته، مانده‌ها... از جمله‌ی آثار معروف و نام‌دار است که در زمان نویسنده یا سراینده‌اش، جزو آثار «کلاسیک» درآمد و اگر ژید، پیچ اثر دیگری از خود باقی نمی‌گذاشت، همین یک کتاب می‌توانست جای دقتی هم و مقام ادبی او را تأمین کند؛ اما اگر قرار باشد در این مختصر، نام دیگر آثار او هم ذکر شود، باید یادی از کوریدون کرد که اعترافات بسیار خصوصی نویسنده است در مسائل بسیار خصوصی‌تر؛ و از «اگر دانه نمیرد» که خاطرات کودکی اوست، تا بدانیم در چه محیطی و با چه دقتی برای نویسندگی تربیت شده است. بعد از تزه که به‌صورت افسانه درآمد، همین سفرنامه‌ی شوروی است؛ و در آن، سرزمین شوروی را به معبر مرموز و پیچ در پیچی تعبیر کرده است که

مسافران، به رؤیایها و سراب‌ها و مخدراتش دل خوش می‌کنند و از دست می‌روند. «بیهانه‌ها و بیهانه‌های تازه» مجموعه‌ی مقالات مختلف اوست در مسائل مختلف ادبی و اجتماعی؛ و دقیق‌تر از این دو کتاب، یادداشت‌های روزانه‌ی درست که مرتب نوشته شده. تا آنجا که راقم سطور مطلع است، از مجموعه‌ی آثار ژید، یک بار *immoralsite* او با عنوان نارسای رذل، ترجمه شده است و بعد به ترتیب در کتاب «پرومته» و دست‌آخر نیز ترجمه‌ی خلاصه‌ای از «سمفونی یا ستورال» او، صرصری را نیز که ژید از «اسکار وایلد» نوشته، دوست عزیزم آقای هوشنگ ابائی در مقدمه‌ی «تاله‌هایی از زندان ریدینگ» بسیار دقیق ترجمه کرده‌اند؛ و این همه را اینکه چیزی است، باز هم نمی‌تواند برای فارسی‌زبانان معرف نویسنده‌ی بزرگ نبی‌ی اول قرن بیستم فرانسه باشد که بهترین بیوگرافی‌ها را برای «داستان‌سکی» نوشته و بهترین ترجمه‌ی فرانسه‌ی «هاملت» از اوست و جایزه‌ی نوبل را برای «بیات» در سال ۱۹۴۷ برده و مهم‌تر از همه، در تأسیس و اداره‌ی مجله‌ی ادبی بزرگ *N.F.P.* در میانه‌ی دو جنگ عالم‌گیر، یکی از پیشوایان ادبی روز و یکی از تشویق‌کنندگان نهضت جدید ادبی به شمار می‌رفته؛ و به‌عنوان مثال، نسخه‌ی اولیه‌ی آثار «مارسل پروست» را دیده و نپسندیده! ژید ذوق به‌خصوصی دارد که از طرفی، با پاکبازانه‌ی مذهب و از طرف دیگر، با شگفتی افسانه‌ای اساطیر کهن یونان و از طرف دیگر، با بی‌بندوباری قرن بیستم آمیخته است. در سمفونی یا ستورال، نمونه‌های ذوق مذهبی او را بارزتر از همه‌جا می‌توان دید. گذشته از اینکه روانی کلام او، به‌خصوص در آثار اصلی و درجه‌ی اولش زنگ کلام تورات و انجیل را به خاطر می‌انگیزد، در پرومته‌ی سست زنجیر شده و تزه و ادیب ذوق به‌خصوصی را که نسبت به اساطیر کهن دارد و حیات تازه‌ای را که به این صفحات فراموش‌شده‌ی

افسانه‌های باستانی یونان داده است، باید خواند. اسامی اشخاصی که در مائده‌های زمینی مورد بحث‌اند و قصیده‌ای و یا غزلی می‌سرایند، همه از «ویرژیل» و «همر» اقتباس شده است؛ و اگر چند ورق بزنید- در آغاز همین ترجمه- ژید کتاب خود را با نقل یکی از اساطیر یونان شروع کرده است و در دو سه جا- دیگر کتاب نیز جای پای از اساطیر خواهید دید؛ اما بی‌بندوباری قرن بیستمی از راه در «مائده‌های زمینی» و «کوریدون» و «ایموراليسم» باید خواند؛ که نه به آداب و رسوم باستان است و نه به اخلاق و دنبال خویش به هر کجا سر می‌کشد و با این وجود در سال ۱۹۴۸ «جایزه‌ی نوبل در ادبیات، به آقای آندره ژید به خاطر ادبیات و ارزش هنری آثار او که در آن‌ها مشکلات زندگی بشری، با عشقی سرشار و حقیقت و با مهارت عجیبی در روانشناسی طرح شده است، اهدا می‌شود».

در آثار ژید، یک تضاد درونی وجود دارد. ذوقی که به تجدد دارد، روح استقلال جوی او، تکروی و رفتار انفرادی‌اش، او را از راهی که دیگران پیموده‌اند، به دور می‌دارد. در مسائل جزئی از آن‌ها به آبلأ مورد آزمایش دیگران واقع شده است، می‌گریزد و عقیده‌ی صریح خویش را در آن باب، در مائده‌های زمینی این‌طور تصریح می‌کند: «آنچه را که دیگری به سویی می‌آورد، من نمی‌آورم. آنچه را که دیگری به خوبی تو می‌گوید، منگو. و آنچه را که به نفعی تو می‌نویسد، مننویس.» همیشه به سوی اصالت متوجه است؛ اما همیشه در کناره‌ی عظمت آثار قدما (کلاسیک) با اعجابی حاکی از تجارب زیبایی‌شناسی، به تحیر می‌ایستد. ژید تجددطلب است، تازه‌جوست؛ ولی انقلابی نیست و ذوقش که راهنمای مطمئن و اشتباه‌ناپذیر او ست، او را دم‌به‌دم به آثار گذشته

متوجه می‌سازد؛ ولی هر نوع از ادبیات کلاسیک را که می‌آزماید، نشانه‌ی انگشت خویش را بر آن می‌گذارد.^۱

ژید در سال ۱۸۷۱ به دنیا آمده است و در ۱۹ فوریه ۱۹۵۱ به درود حیات گفته. اولین کتاب خود را که گویا «دفترهای آندره والتر» به شعر باشد، در ۱۸۹۰ - یعنی در بیست‌سالگی - منتشر کرده است. شصت سال تمام نویسندگی کار کوچکی نیست، و الحق که ژید اثر بزرگی از این حرفه‌ی شصت‌ساله‌ی خویش را جای گذاشته است. اغلب نویسندگان معاصر فرانسه، تأثیر کار او را در آثار خود پذیرفته‌اند، او به هر صورت از نویسندگان معدودی است که در دوره‌ی حیات خویش، منت‌های قابل‌ارزش ادبی خود را به چشم دیده. از آثار او فیلم‌ها برداشته‌اند و بارها در مسکن تماشاخانه‌ها آن‌ها را بازی کرده‌اند. دخمه‌های واتیکان او را، «تأثر فرانسه» در صحنه آورد. هاملت شکسپیر را - در ترجمه‌ی او - ژان لویی بارو^۲ در پاریس بازی داد و فیلم سمفونی پاستورال او را حتی در تهران هم نمایش دادند. آخرین اثری که از ژید باقی مانده است «برگ‌های خزان» است که یادداشت‌های روزانه‌ی آخرین سال‌های عمر اوست.

✱

اما درباره‌ی این ترجمه؛ در حقیقت در این جلد، ترجمه‌ی دو کتاب ژید را ملاحظه می‌کنید. اولی از روی چاپ دویست و سی و یکم فرانسه، آن و دیگری از روی چاپ شصت و هشتم آن؛ که هرکدام جداگانه و به فاصله‌ی زمانی تقریباً یک سال (۷-۱۹۳۶) در پاریس به وسیله‌ی کتابفروشی Gallimard منتشر

^۱ Camborde: - *hommage a Andre Gide*. P. 18.

^۲ Jean - louis barrault

شده است؛ و چون ارتباط بسیار زیادی با هم داشت و هر دو در موضوع واحدی
تحریر یافته بود، یکجا به انتشار گذاشته شد.

باید اذعان کنم که این دو کتاب، به تشویق دوست عزیزم آقای خلیل ملکی
ترجمه شد. در حدود نیمی از آن، در زمستان سال ۱۳۳۱ و بهار سال بعد، در
روزنامه «تیرری سوم» به صورت پاورقی درآمد و جداگانه هم چاپ شد؛ و بعد
که به علت اغتشاشات سیاسی، روزنامه بسته شد و اوراق چاپ تشویق همین
دوست، نبالیده افت. به راستی که در این خلاصه، از زحماتی که دوست عزیز
دیگرم آقای عباسی (اسماعیل زاده در ادامه‌ی کار این ترجمه به عمل آوردند،
تشکر کنم....

نیز باید اذعان کنم که در ترجمه حاضر، به خصوص در نیمه‌ی اول آنکه
در روزنامه چاپ شده است، تعجلی به کار رفته که اصولاً با یک کار ادبی
منافات دارد... بسیار راضی‌تر می‌بودم اگر بنای این کتاب سکه قلب زندگان
ژید را ترجمه می‌کردم و یا ترجمه‌ی نیمه‌تمام مانده‌های زمینی او را تمام
می‌کردم. گرچه برای ترجمه‌ی اثر بزرگ اخیر، به سارتمت بیشتر از آنچه که
فعلاً در خود می‌بینم لازم داشتم؛ و گرچه آرزوی بسیار دوستی است،
امیدوارم روزی این جسارت را نیز در خویشتن بیابم.

جلال آل احمد

در رفت و گفت: «چطور؟ وقتی که یک جناب مطران را به حضور
پذیرفته‌اند.» و دست‌هایش را باز کرده بود و صلیب‌وار جلوی در را گرفته بود و
می‌خواست به من بفهماند که اگر بمیرد، نخواهد گذاشت که بگذرم.